

واکاوی و تحلیل ساختار نظام سیاسی گروه طالبان

عبدالقیوم آیتی^۱

دانشجوی دکتری اندیشه معاصر مسلمین، مجتمع آموزش عالی زبان، ادبیات و فرهنگ شناسی،

جامعة المصطفی العالمية

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۷ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۸

چکیده

طالبان، نام گروهی از شبه نظامیان مخالف دولت افغانستان است که از عقاید مذهبی متعصبانه و تندروانه‌ی برخوردار است. طالبان در افغانستان و جهان عرب به کسانی گفته می‌شود که در مکاتب و مدارس دینی آموزه‌های اسلامی را فرا گرفته و قرائت تندورانه از اسلام داشته است. این نوشتار به دنبال واکاوی و تحلیل ساختار نظام سیاسی گروه طالبان است که ساختار نظام سیاسی آنان برگرفته از حکومت اسلامی و نوع آن خلافت اسلامی را برای ساختار نظام سیاسی خویش برگزیده است و خواستار بازگشت به اسلام ناب محمدی (ص) بود. اما به روش و شیوه‌ی واپسگرایانه با همه ابزارهای موجود مدرن مخالفت می‌کرد. روش تحقیق در این مقاله تحلیلی و توصیف و از اسناد مکتوب استفاده شده است و یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که جریان طالبان از ساختار نظام سیاسی، بسیار ساده شکل گرفته و ساختار این جریان که در قالب امارت اسلامی نام‌گذاری شد. حامیان گروه طالبان غربی‌ها و کشورهای ذی‌نفع منطقه بوده‌اند که این گروه را برای رسیدن به اهداف خاصی طراحی کردند. آمریکا از طالب‌سازی پروژه‌ای اسلام‌هراسی را در غرب دنبال می‌کرد و کشورهای عربی و پاکستان به دنبال تحت فشار قرار دادن حکومت افغانستان بوده‌اند.

واژگان کلیدی

طالبان، ساختار، نظام سیاسی، امارت، خلافت اسلامی، جنگ، بنیادگرایی و افغانستان.

مقدمه

طالبان در زمان بسیار اندکی مناطق جنوبی افغانستان را به تصرف خود درآوردند. آن‌ها پس از آن اعلام موجودیت کردند. طالبان به پیشروی‌های خود ادامه دادند و تعدادی از ولایات را بدون جنگ یکی پس از دیگری اشغال کردند. طالبان سپس نام حکومت خود را «امارت اسلامی افغانستان» گذاشت. سرانجام طالبان در مدت کمتر از پنج سال نود درصد خاک افغانستان را به دست آورد. به هر حال آن‌ها بر افغانستان سلطه یافته بودند و از اواخر ۱۹۹۶ م توانسته بودند بر قدرت برسند، اما سال ۲۰۰۱ م. آخرین سال حکومت آن‌ها بود و پس از پنج سال سلطه بر افغانستان حکومت خود را از دست دادند.

مقاله حاضر با توجه به ضرورت که تاکنون کمتر به آن پرداخته شده است، چگونگی ساختار نظام سیاسی گروه طالبان را مورد ارزیابی قرار داده است که ساختار نظام سیاسی طالبان براساس الگوی بازگشت به ساختار نظام حکومت اسلامی در عصر صدر اسلام با بهره‌مندی از مبانی فکری بازگشت به حکومت اسلامی و احیای خلافت اسلامی بودند که در این تحقیق به آن پرداخته نمی‌شود، در این مقاله به ساختار نظام سیاسی گروه طالبان بحث خواهد شد که عبارت‌اند از نوع رهبری و اداره این تشکیلات و نوع درآمد و... مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌گیرد.

مفهوم ساختار

واژه ساخت از واژه لاتین (Structura) و از فعل (Struere) به معنی ساختن و بنا کردن گرفته شده است. این واژه به مجموعه‌های از مفاهیم معرفتی در حوزه‌های مختلف اطلاق می‌شود، (structure) از دانش سیستم‌ها وارد زبان شده است. (لوپز و اسکات، ۱۳۸۵: ۲۰). زبان‌شناسی نوین و رویکردهای نقدی ساختارگرایانه در ارائه و ساخت این مفاهیم جدید مدیون فردینان دی سو سور است که به جای کاربرد

اصطلاح «ساختار: structure» عنوان «بافت: system» را به کار گرفت. بیشتر پژوهشگران معتقدند که این اقدام سو سور بیشتر به دلیل تمایل او بر نظام‌مند کردن کاربردهای زبانی صورت بوده است؛ زیرا پیش از او زبان‌شناسان دیگری اصطلاح «ساختار: structure» را در آثار خویش به کار برده‌اند (وگلیسی، ۲۰۰۱م: ۵۳).

اصطلاح «ساختار» با نگارش انگلیسی - فرانسوی (structure، structura) و نیز «ساختمان» (constructio، construction) ریشه هردوی آن‌ها فعل فرانسوی «detruior» است که در دستور زبان فرانسوی یک معنای آن «چیدن مواد بر روی هم» است و معنای دیگر «ساختن، بنا کردن» است. مصداق‌های متفاوت اصطلاح «ساختار: structure» بیشتر مستخرج از معجم‌های ریشه‌ای فرانسوی است که معنای آن فقط با تبیین بُعد اصطلاحی آن مشخص می‌شود، این اصطلاح (ساختار) بیشتر به معنای بافتی است که عنصرهای آن بر حسب موقعیت‌های متفاوت مشخص گردد (اسکولز، ۱۳۷۹: ۶۴).

ژان پیازه ویژگی ساختار را در سه سازه بیان می‌کند:

۱- سازه کلّیت (La Totalité): یکپارچگی درونی سازه‌هایی که بافت آن‌ها را سامان بخشیده است.

۲- سازه تحوّل (Les Transformations): بدین معنا که ساختار، سیستم ناپایداری است که پیوسته در حال دگرگونی است.

۳- تنظیم خودکار (L'autoréglage): به حفظ ساختار از درون خود ساختار و نه خارج از مرزهای آن مربوط می‌شود (پیاژه، ۱۳۸۷: ۳۶).

مجموعه نهادها و مراکزی که قدرت سیاسی را در دست دارند و یک کلیت واحد را به وجود می‌آورند، را ساختار سیاسی می‌نامند. این کلیت متأثر از تمامی خصلت‌ها و ویژگی‌هایی است که به جامعه مربوطه هویت می‌بخشند. به‌طور کلی می‌توان دو نوع ساختار عمده را از هم تفکیک کرد: یکی ساختار ساده و غیرتخصصی که در جوامع سنتی دیده می‌شود و در آن کارویژه‌ها و ارگان‌ها از هم



تفکیک نشده‌اند و نوع دیگر ساختار پیچیده، متنوع، تمایز گذاری شده، تخصصی و نهادینه است که در جوامع مجهز به فرهنگ سیاسی مشارکتی شکل می‌گیرد. قدرت سیاسی و شیوه استقرار آن، نهادها و سازمان‌های موجود در جامعه و زیرمجموعه‌های نظام سیاسی؛ عناصری هستند که می‌توانند ماهیت و نوع ساختار سیاسی را آشکار سازند. (نقیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۶۵ - ۱۶۹)

به‌طور کلی تقسیم‌کار از اهمیت والایی در ساختار و سازمان‌دهی برخوردار است. برای اثبات ساختار سیاسی حکومت اسلامی کافی است که ارکان تقسیم‌کار در ساختار حکومت پیامبر اکرم (ص) بررسی شود. ساختار کامل حکومتی در صدر اسلام دارای تقسیم‌کار بر اساس معیارهای گزینشی مشخص، اصلی‌ترین گام را در جهت اثبات ساختار برداشته‌ایم. برخی براین باورند که در ساختار حکومت رسول خدا براساس تقسیم وظایف بر عهده نهادهای ذیل بوده است که عبارت‌اند از:

۱. نهاد وزارت (حسن، ۱۳۷۶، ج ۱: ۴۴۹). ۲. نهاد اداری (همان، ۴۵۲).

۳. نهاد قضایی (همان، ۴۵۴). ۴. نهاد فنی و دبیرخانه (همان: ۱۱۴).

۵. نهاد مالی (کتابی: ۳۹۶). ۶. نهاد دیپلماسی.

۷. نهاد نظامی (کتابی: ۳۱۷).

۸ و ۹. نهاد آموزشی و نهاد تبلیغی (حسن، پیشین: ۱۳۲).

۱۰. نهاد امنیتی (ابن اثیر، پیشین: ۴۶۸).

الگوی طالبان در شیوه حکومت داری، نحوه خلافت خلفای راشدین بود. (عصمت الهی، ۱۳۷۸: ۳۷) طالبان شیوه انتخاب رئیس حکومت از قبل را خلاف اسلام می‌خواندن و می‌گفتند این کار در اسلام نباید شیوه انتخاب امیر از قبل مشخص شود چنانچه در مورد خلفای راشدین چنین نبوده و این شیوه با اصولی که خلفای راشدین و عمر با آن انتخاب شده‌اند در تضاد است. (مژده، ۱۳۸۱: ۵۶)

مهمترین اصل در اندیشه سیاسی گروه طالبان، احیای اصل خلافت در ساختار

نظام سیاسی اسلام است. احیای خلافت اسلامی را رکن اساسی در اسلامی شدن جامعه می‌داند. بسیاری از دانشمندان اهل سنت، شیوه ایجاد خلافت اسلامی را در چهار مورد خلاصه می‌کند: بیعت اهل حل و عقد، شورا، نصب و غلبه (شاه ولی‌الله هندی، ۱۲۹۴، ج ۲: ۱۳۷-۱۳۸) تئوری «امارت اسلامی» که با تئوری خلافت سازگاری کامل دارد، اولین بار در تاریخ معاصر شبه‌قاره هند به وسیله جمعیه العلمای هند پیشنهاد گردیده و در دوره جهاد، گروه‌های وهابی پیرو دیوبندی، آن را در برخی استان‌های کشور تجربه کردند و هم‌اینک، طالبان نیز که از پیروان فکری جمعیه العلمای هند بشمار می‌رود، این طرح را در افغانستان پیاده کرد. در تئوری «خلافت» و «امارت» آن طوری که طالبان آن را می‌خواهد. تعدادی از سران قبایل و نخبگان دینی تحت عنوان اهل حل و عقد گرد هم آمده و فردی را برای این پست نامزد می‌نمایند و آنگاه تمام اختیارات کشور به شخص خلیفه یا امیرالمؤمنین منتقل خواهد شد. طالبان به صراحت اعلام کرده است که «در افغانستان انتخابات برگزار نخواهد شد؛ چون انتخابات یک تقلید غیر اسلامی است.» (ماهانمه صراط، ش ۴ و ۳: ۳۶)

اندیشه سیاسی و حکومتی طالبان، مانند دیگر جنبش‌های اهل سنت، براساس خلافت اسلامی است. در این راستا طالبان پس از تصرف کابل، با ملا محمد عمر، به عنوان امیرالمؤمنین و امیر امارت اسلامی بیعت کردند. (سجادی، ۱۳۷۷: ۲۴۴) رهبران بعد از وی نیز تحت این دو عنوان انتخاب می‌شوند. (سجادی، ۱۳۷۷: ۲۲۹) از این رو، طالبان، پس از تصرف کابل (۵ مهر ۱۳۷۵) عنوان دولت اسلامی را به امارات اسلامی تغییر داد. (عصمت الهی، ۱۳۷۸: ۳۷) در این اندیشه، شریعت اسلامی تنها معیار برای تطبیق و اجرای احکام است و تحت هیچ شرایطی نادیده انگاشته نمی‌شد. (سجادی، پیشین) الگوی طالبان در شیوه حکومت‌داری، نحوه خلافت خلفای راشدین بود. (عصمت الهی، پیشین) در این باره، زمانی یک هیئت چچنی خواستار به رسمیت شناختن جمهوری چچن توسط طالبان شد و اعلام کردند که



طی انتخابات عمومی، رئیس‌جمهور خود را انتخاب کردند، اما طالبان این کار را مخالف اسلام خواندند و گفتند: در اسلام نباید شیوه انتخاب امیر از قبل مشخص شود، چنانچه در مورد خلفای راشدین این چنین نبوده و این شیوه با اصولی که خلفای راشدین و عمر با آن انتخاب شده‌اند در تضاد است. (مژده، ۱۳۸۱: ۵۶) همچنین وزیر امر به معروف و نهی از منکر گروه طالبان گفته است: ما موظف به اجرای شریعت و تطبیق احکام اسلام هستیم و این کار را انجام می‌دهیم چه کشورهای جهان ما را به رسمیت بشناسند و یا نشاسند. (سجادی، ۱۳۷۷: ۲۳۰).

گروه طالبان در مرامنامه سیاسی خود، خط و مشی کلی سیاسی آینده خویش به بیان اصول اساسی ساختار نظام سیاسی خود را آورده است و در این مرامنامه که توسط شیرعلی شاه (استاد حدیث دانشگاه پاکستان) تدوین شده بود، چارچوب نظام سیاسی طالبان را که همان اصول شریعت اسلامی - البته با نظریه اهل سنت - سازگار، اعلام شده است. (عصمت الهی، ۱۳۷۸: ۳۵) طبق آن مرامنامه، طالبان به مشارکت مردم در اداره امور جامعه و سرنوشت سیاسی‌شان باورمند نیست، بلکه باورهای خود را بر مردم تحمیل می‌کردند و همان‌طوری که اشاره شد، انتخابات و همه‌پرسی را شیوه‌ای تقلیدی و غربی می‌داند (همان، ۲۲).

طالبان با توجه به تلقی سنتی که از اسلام و شریعت دارد، از یک ساختار نظام سیاسی بسیار بسیط و ساده برخوردار بوده و حتی فاقد آیین‌نامه‌های داخلی نیز بودند؛ بنابراین تشکیلات طالبان حتی در بعد حکومتی آن، شبه تشکیلات است که به نظر آنان چندان اهمیت ندارد گرایش شدید به مرکزگرایی دارد. ملا عمر به عنوان امیرالمؤمنین از اختیارات نامحدودی برخوردار بوده است و ساختار نظام سیاسی طالبان، بیشتر با رویکرد شورای اداره می‌شد.



رهبر طالبان ملا محمد عمر مجاهد بود که پس از اشغال شهر کابل به دست طالبان، به امیرالمؤمنین ملقب شد. (احمد رشید، ۱۳۸۳: ۶۸) او در دوران جهاد، در یکی از احزاب جهادی مشغول فعالیت بود. در جنگ با روس‌ها مجروح گردید و یک چشم خود را از دست داد. او، پس از فتح کابل توسط مجاهدین در سال ۱۳۷۱، در صدد برآمد تا درس‌های علوم دینی خود را در منطقه کوچک سنگسار، در ولایت قندهار تکمیل کند. به گفته خود او، مبارزه با فساد و ناامنی را از همین منطقه در سال ۱۳۷۳ آغاز کرد و جنبش طالبان را پایه‌گذاری کرد. در ماه سنبله (شهریور) ۱۳۷۴ در اجتماع بزرگی با حضور حدود ۱۵۰۰ تن از طلاب علوم دینی، ملا محمد عمر را به‌عنوان امیرالمؤمنین انتخاب کرده و همگی با او بیعت کردند و پس از این رویداد، دستورات او، حکم شرعی تلقی شد و هیچ‌کس حق مخالفت و سرپیچی از فرمان‌های او را نداشت. وی همراه با خانواده‌اش در یک منزل محقر، در قندهار زندگی می‌کرد و برای گردش در شهر، با یک خودرو عادی رفت و آمد می‌کرد و چندان به مسائل امنیتی، به‌عنوان یک حاکم واقعی اهمیت نمی‌داد. (مولوی حقانی (بی‌تا): ۵۲)

طالبان براساس باور مرسوم متفکران سیاسی سنی، (ماوردی، بی‌تا: ۵) اطاعت از خلیفه را واجب شرعی می‌شمرد (همان: ۶ و ۲۴) و مخالفان امیر، یاغی و مهدور الدم شناخته می‌شدند. در این نظریه دیگر لازم نیست که خلیفه از اوصاف برتر، کامل‌تر، اعلم، عادل‌تر و باتقواتر برخوردار باشند، بلکه همین اندازه که به‌عنوان خلیفه برگزیده شده، اطاعت از او واجب است. (سجادی، ۱۳۷۷: ۲۲۹) ملا عمر، پس از اینکه طی فتوای شرعی حدود هزار نفر از علمای دینی قندهار به‌عنوان امیرالمؤمنین برگزیده شد. (کامگار، ۱۳۷۹: ۱۸۴) عبای منسوب به پیامبر را بر دوش انداخته و بر پشت بام ساختمان‌های در مرکز کابل ظاهر گردید. درواقع ملا عمر با پوشیدن عبای پیامبر نه فقط رهبر دینی افغان‌ها که مدعی رهبری همه مسلمانان جهان گردید. (احمد



رشید، ۱۳۸۳: ۶۸) از این رو، طالبان اندیشه احیا خلافت اسلامی را در سر می‌پرورانید. طالبان در آغاز با رهبری شورایی که بیشتر ساختار مشورتی و مبتنی بر توافق داشت، اداره می‌شد. شورای که در قندهار تشکیل می‌گردید ادعا می‌کرد که با الگوی صدر اسلام تصمیمات خود را اتخاذ می‌کند و این شورا بیشتر شبیه به لوی جرگه کوچک اداره می‌شد و از دید سنتی خودشان گرایش اسلامی داشت. در آغاز ظهور، از اینکه طالبان ادعای جاه و مقام نداشتند، چهره دیگری از خودشان در مقابل مردم مجسم کرده بودند و بیشتر افراد، آینده سیاسی آنان را اسرارآمیز تصور می‌کردند. این وضع از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵ ادامه داشت، اما همین که طالبان کابل را تصرف کردند نقاب از چهره‌شان برداشتند و صورت دیکتاتور مابانه آنان برای همگان آشکار شد؛ زیرا آنان نمی‌خواستند و دیگر گروه‌ها حتی اقوام را در تشکیلات خود مشارکت دهند. (صفاری، ۱۳۹۵: ۱۰۳)

برداشت سطحی طالبان از اسلام و شریعت، خود را از یک تشکیلات منظم و منسجم سیاسی محروم کرده‌اند. درواقع طالبان، برای ساختار نظام سیاسی اهمیت چندانی قائل نبودند و بر این اساس بود که ساختار ساده و بدون پیچیدگی دست‌وپا گیر و ابتدایی را پیشنهاد می‌کردند. (سجادی، ۱۳۸۰، «ماهیت دینی - سیاسی گروه طالبان»: ۱۰) شاید این موضوع بدین دلیل باشد که طالبان در آغاز به‌عنوان نیروی صلح‌طلب پا به میدان گذاشتند، اما به تدریج و با حذف مجاهدین از صحنه سیاسی کشور (پهلوان، ۱۳۷۷: ۲۱) به فکر تشکیل حاکمیت سیاسی و سازمان‌دهی آن شده‌اند.

به نظر طالبان، حکومت اسلامی از آن خداست و تنها اوست که منبع اساسی حکم و حکومت است و کس دیگری حق تشریع و قانون‌گذاری ندارد و اگر ملاعمر در امور حکومتی نیز با دیگران مشورت می‌کند، صرفاً نوعی نظرخواهی است و تصمیم نهایی با خود ملاعمر است. (سجادی، «ماهیت دینی سیاسی گروه

طالبان»، ۱۳۸۰: ۱۰ و ۱۱) بر همین دیدگاه بود که طالبان ارائه هرگونه نقشی را از مردم در قالب رأی‌گیری، مجلس و همه‌پرسی و... سلب می‌کرده‌اند.

بدین ترتیب فقدان برنامه حکومتی و فقدان آگاهی و ژرف‌اندیشی برای پایه‌گذاری یک ساختار سیاسی کارآمد، دولت طالبان را در اداره امور حکومت به شیوه‌ای مشخص مستأصل ساخت (مژده، ۱۳۸۱: ۴۹) و طالبان توانستند یک سیستم منسجم اداری - نظامی برپا سازند. (امامی، ۱۳۷۸: ۱۸۶) شاید دلیل دیگر این آشفتگی سیاسی آن باشد که برای پشتونیزم که طالبان داعیه‌دار حق حاکمیت انحصاری آن در افغانستان بوده‌اند - آن قدر که اعمال سلطه به وسیله نمایندگان سیاسی‌اش اهمیت داشت، شکل حکومت مهم نیست. (پهلوان، ۱۳۷۷: ۱۳۹)

در هر صورت در مورد آنچه در منابع به عنوان ساختار تشکیلاتی طالبان آمده، نمی‌توان به نتیجه و شکل واحدی دست یافت. در برخی از منابع این گونه منعکس شده است که یک هیئت حاکمه موقت ده‌نفره یا شورای عالی که در قندهار مستقر بود، (احمد رشید، ۱۳۷۹: ۳۶۷) قدرتمندترین بخش حکومت طالبان را تشکیل می‌دهند، اما در جای دیگر از قول یکی از نزدیکان ملا عمر می‌خوانیم: برای این مجلس اعضای معینی وجود نداشت، بلکه هر کس که امیرالمؤمنین با او بنشیند یا مشورت نماید یا با او بحث و مناظره نماید. عضو این مجلس محسوب می‌گردد. (سجادی، «ماهیت دینی سیاسی گروه طالبان»، ۱۳۸۰: ۱۰)

شورای کابل را کابینه وزیران حکومت طالبان معرفی کرد که باید گزارش کار خود را به شورای عالی ارائه دهند، (احمد رشید، ۱۳۷۹: ۳۶۷ و ۳۶۸) اما در برخی منابع از شورای کابل به عنوان یک مجلس شش نفره نامبرده شده است که در سپتامبر ۱۹۹۶ برای اداره کابل پایه‌گذاری شد. (امامی، ۱۳۷۸: ۱۸۸) در منابع دیگر از وزرا و روسای رده‌بالای طالبان در مشاغل و وزارتخانه‌های متفاوت یاد شده است. در مورد این اختلاف‌نظرها، علاوه بر مسائلی که در تضعیف طالبان اشاره شد، چند نکته را نباید از نظر دور داشت، یکی اینکه تغییر و گردش مداوم از ویژگی‌های متعارف طالبان در بخش ساختار اداری و سیاسی بوده است و اعضای کابینه و وزاری طالبان



همواره به دستور شخص ملاعمر در حال تغییر بوده‌اند). سجادی، «ماهیت دینی سیاسی گروه طالبان»، ۱۳۸۰: ۱۰)

نکته دوم اینکه بیشتر این اطلاعات از سوی منابع پاکستانی در اختیار رسانه‌های گروهی قرار گرفته که صحت و اصالتشان مورد تردید است؛ چنان‌که پاره‌ای از اسامی مستعارند و هویت و تابعیت آن‌ها حتی برای مردم افغانستان هم مشخص نیست. (امامی، ۱۳۷۸: ۱۸۹)

۲. مجلس شورای عالی

این مجلس به‌عنوان بالاترین مرجع تصمیم‌گیری جنبش طالبان محسوب می‌شود که سایر تشکیلات طالبان زیر نظر این شورا به فعالیت خود ادامه می‌دادند و محل استقرار آن در شهر قندهار بوده است. ده عضو داشت که شش نفر آن‌ها را پشتون‌های درانی تشکیل می‌دادند و یک عضو آن، مولوی سید غیاث‌الدین، تاجیک تبار بود و پس از اشغال کابل، اکثر اعضای این شورا عهده‌دار پست‌های حکومتی شدند و این شورا به تدریج منحل گردید و ملاعمر از اختیارات مطلق برخوردار گردید. (سرفراز، ۱۳۹۰: ۱۲۰ و ۱۲۱) اعضای این شورای عبارت‌اند از:

طالبان؛ اسلام نفت و بازی بزرگ جدید		ماهیت دینی - سیاسی طالبان		افغانستان و ظهور طالبان
شورای عالی (هیئت حاکمه موقت)		مجلس شورای عالی		شورای مرکزی
عضویت	مسئولیت	عضویت	مسئولیت	عضو
ملا عمر (امیرالمؤمنین)	رهبری	ملاعمر	رهبری	ملا عمر
ملا محمد ربانی	رئیس شورای حکومتی و معاون رهبری	ملا محمد ربانی	رئیس مجلس و معاون رهبر	ملا نورالدین
ملا محمد غوث	وزیر امور خارجه تا ژوئن ۱۹۹۷	ملا محمد غوث	وزیر امور خارجه	ملا محمد غوث
ملا محمد حسن	رئیس ستاد نظامی	ملا محمد حسن	نایب رئیس مجلس	ملا محمد حسن

ملا محمد فاضل	رئیس نیروی زمینی	ملا محمد فاضل	نخست وزیر و مسئول امنیت کابل	ملا شیر محمد ملنگ
ملا عبدالرزاق	رئیس اداره گمرکات	ملا عبدالرزاق	وزیر دفاع	ملا عبدالرحمن
ملا سید غیاث الدین	وزیر اطلاعات	مولوی سید غیاث الدین	وزیر تعلیم و تربیت	سردار احمد
ملا خیرالله خیرخواه	وزیر داخله	ملا محمد حسن	والی قندهار	ملا عبدالحکیم
مولوی عبدالستار سنایی	رئیس دادگاه عالی	ملا احمد الله مولوی نانی	حاکم هرات	معصوم افغانی
مولوی احسان الله احسان	رئیس بانک دولتی	ملا سید محمد حقانی	سرپرست اداره تبلیغات در قندهار	-
ملا عبدالجیل	وزیر امور خارجه پس از ژوئن ۱۹۹۷	ملا امیرخان متقی	مسئول اداره اطلاعات و فرهنگ	-
-	-	ملا وکیل احمد متوکل	مشاور ارشد ملا عمر	-

جدول - شورای عالی طالبان (خادمی، ۱۳۹۲: ۳۰ و ۳۱)

۳. مجلس موقت

مجلس موقت بر اساس دستور ملاعمر، پس از تصرف کابل، یک مجلس شش نفره برای اداره کابل، در تاریخ ۱۳/۶/۱۳۷۵ تأسیس شد. این مجلس، به طور مستقیم، زیر نظر شخص ملا عمر فعالیت می کند. اعضای این مجلس را چهره های نسبتاً مطرح طالبان تشکیل می دهند؛ از جمله:

۱. ملا محمد ربانی، رئیس مجلس که سمت معاونت ملاعمر را نیز دارد. وی قبلاً جانشین یکی از فرماندهان حزب اسلامی یونس خالص بود. ربانی از توانایی اداری خوبی برخوردار است و به همین علت، هر ولایتی که طالبان فتح می کردند، تحت سرپرستی او اداره می گردید. امور اجرایی و ریاست مجلس حاکم را او بر

عهده دارد.

۲. ملا محمد حسن، نایب رئیس مجلس، یکی از فرماندهان جهادی قندهار، ملا محمد غوث، از اعضای سابق حزب اسلامی یونس خالص که اوایل، اداره امور خارجی طالبان را بر عهده داشت. از او به عنوان حلقه وصل طالبان و پاکستان یاد می شود.

۳. ملا عبدالرزاق، سرپرست وزارت دفاع که فرماندهی طالبان در جنگ کابل، سروبی و شمال به عهده داشت و یکبار در این جنگ ها زخمی شد و بعدها به دست نیروهای ژنرال ملک در جنگ شمال افغانستان، در سال ۱۳۷۶ دستگیر شد. (مولوی حقانی، پیشین: ۵۲)

۴. شورای سرپرستی (هیئت وزرا)

این شورا هفده عضو داشت که هشت تن از آنها پشتون درانی، سه تن پشتون غلجائی و دو تن از دیگر طوایف بودند. هیئت وزرا معروف به «شورای کابل» مسئول مسائل روزمره مربوط به شهر کابل و جبهه نظامی این شهر بود تصمیم های مهم از جانب شورای قندهار اتخاذ می شد. این شورا تصمیمات شورای کابل را در صورت لزوم لغو می کرد و رئیس آن در برخی اوقات ملا محمد ربانی بود. (سرفراز، ۱۳۹۰: ۱۲۱) متشکل از هیئت وزیران که برای اداره امور و رسیدگی به مسائل سیاسی و کشوری جلسه های هفتگی داشتند و گزارش کار خود را به شورای عالی ارائه می دادند و اعضای آن عبارت اند از:

طالبان؛ اسلام نفت و بازی بزرگ جدید		ماهیت دینی - سیاسی طالبان		افغانستان و ظهور طالبان	
شورای عالی (هیئت حاکمه موقت)		مجلس شورای عالی		شورای مرکزی	
وزیر	وزارتخانه	وزیر	وزارتخانه	وزیر	وزارتخانه
ملا محمد عباس	بهداشت و درمان	ملا محمد عباس	صحت عامه و بهداشت	ملا عمر النج	شهدا و معلولین
ملا عبیدالله آخوند	دفاع	ملا عبدالله	دفاع		

ملا داد الله آخوند	ساختمان سازی	-	-	ملا محمد دوستان	نوسازی شهری
ملا طاهر انوری	اقتصاد و دارایی				
ملا امیر خان متقی	اطلاعات و فرهنگ	ملا امیر خان متقی	تبلیغات و فرهنگ	ملا امیر خان متقی	اطلاعات
ملا عبداللطیف منصور	کشاورزی	محمد نسیم آخوندزاده	زراعت	-	-
ملا محمد عیسی	آب و نیرو	ملا محمد عیسی	آب و برق	-	-
ملا احمد الله فانی	ارتباطات	ملا داد الله	ارتباطات	-	-
ملا نورالدین ترابی	دادگستری	ملا نورالدین ترابی	دادگستری	-	-
صمد الله لغمانی	تحصیلات عالی	ملا احمد الله لغمانی	تعلیمات و آموزش عالی	-	-
مولوی احمد جان	معادن و صنایع	ملا احمد الله	صنایع		
جلال الدین حقانی	امور سرحدات	-	-	ملا عبدالرقيب	اسكان آوارگان
فاضل محمد فیضان	تجارت	ملا حافظ محب الله	تجارت	ملا عبدالرزاق	گمرک
قاری دین محمد	برنامه			قاری دین محمد	برنامه ریزی
مولوی قلم الدین	امر به معروف و نهی از منکر	ملا سید عنایت الدین	تعلیم و تربیت	ملا سید غیاث الدین	آموزش
ملا خیر الله خیراه	داخله	ملا خیر الله خیر خواه	داخله	-	-
محمد غوث - عبدالجلیل	امور خارجه	ملا محمد حسن	امور خارجه	ملا شیر محمد استکزایی	خارجہ

جدول هیئت وزرای طالبان (خادمی، ۱۳۹۲: ۳۲ و ۳۳)



۵. شورای نظامی

این شورا از میان مهم‌ترین فرماندهان نظامی و جنگجویان معروف طالبان تشکیل می‌شود که باید همچون کابینه وزیران گزارش کار خود را به شورای عالی ارائه کند. این شورا به ریاست ملا عمر و امورات نظامی و طرح‌های اولیه عملیات را بررسی و تصمیم‌گیری و ابلاغ می‌نماید. مولوی نور محمد ثاقب - مولوی عبدالله و ناصر جیلانی اعضای این شورا بوده و در قندهار تشکیل می‌شده است (صفاری، ۱۳۹۵: ۱۰۶) و اعضای این شورا عبارت‌اند از:

طالبان؛ اسلام نفت و بازی بزرگ جدید	ماهیت دینی - سیاسی طالبان		افغانستان و ظهور طالبان
ملا محمد عمر	فرمانده کل قوا	ملا عبدالله	وزیر دفاع
ملا محمد حسن	رئیس ستاد نظامی	مولوی جلال‌الدین حقانی	رئیس ستاد نظامی
ملا رحمت‌الله آخوند	رئیس ستاد ارتش	حاجی محمد نعیم کوچی	رئیس ستاد ارتش
ملا محمد فاضل	رئیس نیروهای زمینی	ملا عبدالسلام راکتی	رئیس نیروهای زمینی
ملا جمعه خان	فرمانده لشکر	ملا جمعه خان	فرمانده لشکر
ملا محمد یونس	فرمانده لشکر	ملا محمد یونس	فرمانده لشکر
ملا محمد گل	فرمانده لشکر	ملا محمد گل	فرمانده لشکر
ملا محمد عزیز خان	فرمانده لشکر	ملا محمد عزیز خان	فرمانده لشکر
ملا محمد ظاهر	فرمانده زرهی شماره ۲	ملا محمد ظاهر	فرمانده زرهی شماره ۲

جدول - شورای نظامی طالبان ((خادمی، ۱۳۹۲: ۳۴)



۶. شورای دارالافتاء

ملا محمد عمر در رأس آن بود، اما اسامه بن لادن، علیشاه (پاکستانی)، نظام الدین شامیزی (پاکستانی)، ژنرال حمید گل (پاکستانی) و عبدالعلی دیوبندی (افغانی) اعضای این شورا بودند در غیاب ملا عمر، نور محمد ثاقب، وزیر دادگستری و قاضی القضاات طالبان، به نیابت از وی در جلسه شورا حاضر می شد. در غیاب اسامه بن لادن و نیز عبدالباسط (مصری) به نمایندگی از وی در جلسات شورا شرکت می کرد. این شورا برای تصمیم گیری در خصوص امور مربوط به سیاست خارجی، داخلی و نظامی صاحب اختیار بود. (سرفراز، ۱۳۹۰: ۱۲۱)

۷. شورای عالی قضایی

رئیس این شورا مولوی نور محمد ثاقب و قاضی القضاات طالبان بوده است. مولوی موسی جان به عنوان جانشین رئیس شورا و محمد اختر اسحاق مشاور عالی حقوقی رئیس شورا را بر عهده داشته است. حضرت محمد و عبدالحکیم و عبدالرحمن هم عضو این شورا بوده اند. (صفاری، ۱۳۹۵: ۱۰۶)

۸. شورای علمای کرام (اهل حل و عقد)

مولوی عبدالغفور حقانی طی حکمی از طرف ملا عمر مأمور شد تا شورایی از علما در سطح امارت اسلامی، ولایات و ولسولیاها و بخش ها و روستاها را تشکیل دهد. در آن زمان شوراها جنبه تشریفاتی داشته و فقط در حد پیشنهاد، نظراتی را به حکومت می دادند و یا اگر لازم بود که موردی را وجهه عمومی داده و مشروعیت ببخشند از طریق این شوراها مستندسازی می کردند و مطرح می کردند. طالبان تبلیغ می کردند که پس از تصرف کامل افغانستان، این شورا (حل و عقد) باید رهبر مسلمین را انتخاب نماید.

شورای علما کرام: ۱- رئیس شورا؛ ۲- معاون شورا. (صفاری، ۱۳۹۵: ۱۰۷)



۹. حامیان طالبان (حکومت در سایه)

تمامی گزارش‌های مهم سیاسی و نظامی به مرکزی در پاکستان ارسال و رونوشت آن به شورای رهبری و شورای سرپرستی در کابل ارسال و تصمیمات مهم در مرکز پاکستان توسط ژنرال‌ها و شخصیت‌های پاکستانی گرفته می‌شد و تصمیمات رده بعدی توسط ملا عمر و طالبان در قندهار گرفته می‌شد. به تعبیری می‌توان گفت که راهبردهای کلان توسط حکومت در سایه (پاکستانی‌ها) و حرکت‌های تاکتیکی توسط طالبان انجام می‌شد.

این حکومت در سایه دوشاخه داشت؛ شاخه اجرایی نیروهای دولتی پاکستان بودند و خط دهی نامرئی‌تر از آن توسط جمعیت علما اسلام و احزاب اسلامی پاکستانی انجام می‌گرفت و این خط دهی‌ها در بعضی موارد به گونه‌ای بود که طالبان به دولت پاکستان وابستگی تمام نداشته باشند و به عنوان ابزاری در اختیار احزاب اسلامی پاکستان بمانند تا در مواقع لزوم از آن‌ها، حتی علیه دولت مرکزی پاکستان استفاده کنند و یا در مواردی مثل حمایت از القاعده و امثال آن در دام دولت پاکستان نیفتند و مستقل عمل کنند، اما این راهبرد (جدایی طالبان از دولت مرکزی) به شدت سیاست‌مداران پاکستانی را رنج می‌داد و باعث می‌شد که در بعضی موارد علیه طالبان دست به اقدامات مقطعی بزنند. (احمد رشید، ۱۳۷۹: ۱۶۱)

۱۰. منابع مالی طالبان

اقتصاد طالبان از دو ساختار تشکیل شده بود. ساختار اول همان ساختار بومی قومی که از دوره جهاد هر گروه و جریانی برای خودشان داشتند. ساختار دوم، همان ساختار دولتی بود که پس از تصرف مناطق و مراکز قدرت دسترسی به سرمایه‌های دولتی میسر شد و حکومت طالبان می‌بایست این ساختارها را به نفع خود مدیریت می‌کرد. اولین منبع مالی طالبان در آغاز کار، مافیای حمل و نقل و تجار منطقه بودند که در اثر ناامنی آسیب جدی دیده بود. احمد رشید، در این باره می‌نویسد: برای مافیا

حمل و نقل کنترل شهر قندهار مهم بود. آن‌ها صدها هزار رویه پاکستانی به ملا عمر داده بودند و به طالبان قول مقرری ماهیانه دادند تا در مقابل، طالبان نیز جاده‌ها را از زنجیرهای باج‌گیری و رهنان پاک‌سازی و امنیت را برای عبور و مرور کامیون‌ها تضمین کنند. (احمد رشید، پیشین: ۷۰)

طالبان در سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵، برای تداوم عملیات و پیشروی خود ماهیانه هفتاد میلیون دلار نیاز داشتند. خریدهای تسلیحاتی طالبان از اکراین و توسط عربستان انجام شده و بخش اعظم بودجه آن را عربستان پرداخت نموده است. زمانی که طالبان در چند ولایت جنوب گسترش پیدا کرد، حامیان دولتی و بین‌المللی هم به صحنه آمدند. کمک‌های نقدی و غیر نقدی اسامه بن لادن از جمله مهم‌ترین منابع تأمین مالی طالبان بود. کمک‌های وی عبارت‌اند از:

۱. روزانه مبلغ ۱۲۰۰۰۰ هزار دلار جهت مصارف نظامی و غیرنظامی. ۲. تأمین هزینه آموزش سالانه حدود ۱۴ تا ۱۵ هزار نفر از افرادی که توسط طالبان آموزش می‌دیدند. ۳. تأمین هزینه‌های مدارس دینی طالبان. ۴. تأمین هزینه‌های دو دانشگاه کابل و ننگرهار. ۵. پرداخت حقوق و معاشات هزینه‌های نظامی و غیرنظامی حدود ۱۰۰۰ نفر نیروهای عرب که همکار طالبان بودند. ۶. کمک‌های غیر نقدی.

استخراج انواع معادن سنگ، مس و کرمیت سنگ رخام و صدور آن به پاکستان، استحصال یاقوت از معادن حومه قندهار، صادرات چوب جنگلی از کنر به پاکستان و درآمد حاصله از نفت و گاز ۱۰۶ حلقه چاه شمال و... تنها در سال ۱۴۱۹ قمری جمعاً برابر به مقدار ۷۵۲/۰۴۷۳۰۲ میلیون مترمکعب گاز استخراج کرده است. راه اندازی کارخانه‌های نساجی بگرامی، افغان، بلخ، هرات و پلچرخی، راه اندازی معادن زغال‌سنگ دو آب میخ زرین، دودکش، کلیچ، کرکر، دره صوف و نهرین در نه ماه اول سال ۱۴۱۹ قمری در سمت شمال افغانستان ۷۴/۳۲۵ تن تولید داشته است. (سید مسعود، ۱۳۸۸: ۱۱۱ و ۱۱۶)

درآمد کمرگی و بازارچه‌های مرزی که در دوره طالبان فعال بود، روزانه



یک صد هزار دلار برآورد شده است و یکی از منابع مالی طالبان بوده است. اخذ زکات و عشر اجباری از مردم را می توان از دیگر منابع اقتصادی طالبان دانست: اخذ عشر از کشاورزان شامل تمام محصولات کشاورزی به خصوص تریاک که ارقام قابل توجهی می شد. تنها در سال ۱۳۷۸۴، ۴۶۰۰ تن تریاک تولید که برابر آمار سازمان ملل متحد ۷۵٪ تولید جهانی بوده است. جذب کمک های مردمی از مسلمانان اهل سنت کشورهای اسلامی جدای از کمک های دولت ها بود. نقش کشورهای عربستان، امارات متحده عربی، قطر، پاکستان از دیگران بارزتر بوده است. (صفاری، ۱۳۹۵: ۱۲۱ و ۱۲۲)

طالبان، از بخش قاچاق و ترافیک مواد مخدر افغانستان فکر می کنم، سالانه بین ۳۵۰ تا ۵۰۰ میلیون دلار سود می برند. البته احتمالاً یک بخش آن، برود به جیب افراد و اشخاص و یک بخش به طالبان. در کل فکر کنم طالبان حداقل در حال حاضر سالانه تا ۴۰۰، ۵۰۰ میلیون دلار هزینه جنگی دارند. وقتی جنگی را انجام می دهند؛ برای آن هزینه می کنند. پول های را باید تهیه کنند. مهمات را خریداری کنند. (کوهستانی، ۱۳۹۸)

طالبان هزینه های جنگ خود را از طریق کشت خشخاش تأمین می کند؛ زیرا آمارها حکایت از آن داشت که ۹۰ درصد کشت این ماده در مناطقی صورت می گرفت که طالبان بر آن تسلط داشت و به این ترتیب، تولید تریاک در افغانستان در سال ۱۹۹۷ به ۲۸۰۰ تن رسید. (مژده ۱۳۸۱: ۱۰۱) با هماهنگی ارتش پاکستان، به ویژه سرویس امنیتی آی اس آی، ریزنی های عربستان سعودی، با محوریت CIA سیا و با حمایت مالی امارت متحده عربی در سال ۱۹۹۴ آن ها گرد هم جمع شده اند و مذاکراتی برای ایجاد تشکیلی قوی به رهبری ملا عمر برای حضور در صحنه سیاسی و نظامی افغانستان آغاز کرده و هیئت حاکمه آمریکا از CIA به تقسیم کار میان متحدان استراتژیک خود در منطقه برای ایجاد و تقویت طالبان پرداخت. مسئولیت

سازمان‌دهی و حمایت تسلیحاتی و تقویت بنیه نظامی طالبان به دولت پاکستان سپرده شد و مسئولیت تدارکات مالی و تأمین هزینه‌های اقتصادی طالبان به کشورهای عربستان سعودی و امارات متحده عربی واگذار شد. (سجادی، ۱۳۸۰: ۲۶۲)

بر اساس گزارش سازمان ملل، طالبان در عرض یک سال، نزدیک به نیم میلیارد دلار عواید داشته‌اند. چند سال پیش هم گزارش‌هایی منتشر شدند که نشان می‌دادند که طالبان در برابر اجازه عبور دادن به کاروان‌های تدارکاتی ناتو که از مسیر پاکستان می‌گذرند، پول دریافت می‌کنند؛ و همچنان پاکستان و برخی کشورهای خلیج فارس نیز از تمویل گران اصلی طالبان شمرده می‌شوند.

طالبان براساس این گونه حمایت‌های مالی است که هنوز در صحنه نظامی حضور دارند و می‌توانند چالش بزرگی بر سر راه نیروهای داخلی و خارجی مستقر در افغانستان باشند. در ده سال گذشته آنچه همواره از سوی جامعه جهانی به عنوان اصلی‌ترین متحد افغانستان در جنگ با تروریسم مورد غفلت واقع شد، منابع مالی طالبان بوده است. تجدیدقوای طالبان پیوند تنگاتنگ با منابع مالی آن دارد. تا زمانی که این منابع مالی وجود داشته باشند، بدون شک جنگ در افغانستان فروکش نخواهد کرد. (mandegardaily.com)

عمده‌ترین منبع مالی طالبان به عقیده بسیاری از کارشناسان سیاسی و نظامی، از راه تولید و قاچاق مواد مخدر تأمین می‌شود. سران طالبان در آن زمان در زدوبند با برخی قاچاقچیان مواد مخدر، محموله‌های بزرگ هروین و تریاک را در اختیار مصرف‌کنندگان آن در کشورهای غربی قرار می‌دادند. حالا هم گروه طالبان در پی تأمین منابع مالی خود در جنگ با دولت افغانستان و حامیان بین‌المللی آن است. ساده‌ترین و قابل وصول‌ترین راه تأمین منابع مالی برای این گروه در داخل افغانستان، تولید و قاچاق مواد مخدر است. در کنار آن، مافیای مواد مخدر در داخل افغانستان که شاخه‌های آن حتی در درون دستگاه دولت نفوذ یافته نیز، به تأمین منابع مالی طالبان از راه کشت و قاچاق مواد مخدر کمک می‌رساند. اگر جامعه جهانی و دولت



افغانستان در تأمین امنیت کشور مصمم می‌بودند، بدون شک باید راه‌های تأمین مالی طالبان را سد می‌شدند. (همان)

۱۱. فرهنگی و اجتماعی

ساختارهای فرهنگی - اجتماعی طالبان از فرهنگ سنتی پشتونیزم نشأت گرفته، اما برای مشروعیت بخشیدن به آن وجهه اسلامی با برداشت‌های خاص خود داده‌اند. این اقتباس‌ها تازگی نداشته و ریشه در تاریخ اسلام افغانستان دارد و این آمیزه‌ها محصول ترکیب برداشت‌های دینی با گرایش‌های مذهبی اهل سنت ناشی از باورهای سنتی، قومی و منطقه‌ای در طول دوره‌های گذشته تاکنون بوده، به حدی که تفکیک اعتقادات مذهبی با سنتی یا قومی، امری مشکل بلکه در بعضی مواقع محال است به این علت است که طالبان تمام باورهای خود را سنت اسلامی و شرعی می‌پنداشته است و همه مردم را ملزم به اجرای آن می‌دانند. به عبارت دقیق‌تر، طالبان همان ساختارهای فرهنگی عشیره‌ای و روستایی را به شهرها آوردند و اسم آن را سنت اسلامی گذاشتند. (وحید مژده، پیشین: ۲۱)

مشکل بزرگ طالبان در ساختار دولت از آنجا بروز کرد که آن‌ها مردمی برخاسته از روستاها بودند و بیگانه با نظام شهری و مدنی آن‌ها در تماس با روستا به مشکل بر نمی‌خوردند. حتی مناطق پشتون نشین کشور اکثراً از نظر اجتماعی رنگ و بوی روستا را دارد ولی آنان با وارد شدن به کابل با همان مشکلی مواجه شدند که بعداً از تصرف هرات با آن روبه‌رو شده بودند و آن مواجهه با ارزش‌ها، ایده‌ها و نیازهای نظام شهری بود. (همان)

یکی دیگر از اقدامات طالبان زمانی تسلط بر کابل این بود که ریاست امر به معروف و نهی از منکر ایجاد کرد و زنان از مشاغلشان برکنار کرده و دانشگاه‌ها و مکاتب را بروی دختران بستند و ریاست امر به معروف و نهی از منکر را به وزارت به همین نام ارتقا بخشید. رادیو و تلویزیون دولتی را بستند. (احمدشاه فروزان، پیشین: ۱۶۳)

گروه طالبان را عده‌ای از طلاب علوم دینی تشکیل می‌دادند و برای مبارزه با فساد تشکیل شده بود و اندیشه احیای خلافت اسلامی را در سر می‌پرورانید. در مدتی زمانی اندک بیشتر استان‌های کشور را به اشغال خود درآوردند و ساختار سازمانی بسیار بسیط و ساده داشت، بیشتر دستورات را از رهبری گروه دریافت می‌کردند و براین اساس عمل می‌کردند. ساختار نظام سیاسی این گروه بیشتر با رویکرد شورای و گاهی هم به صورت مشورتی اداره می‌شد و هرچند در شکل‌دهی این نوع، ساختار نظام سیاسی طالبان، عوامل خارجی و داخل دخالت داشته‌است، در بسیاری از موارد تنها تصمیم‌گیرنده خود طالبان و شورای رهبری آن‌ها نبوده‌است، بلکه تصمیمات از خارج گروه و بیرون از مرزهای افغانستان گرفته شده‌است، گروه طالبان، فقط از عوامل اجرایی آن رفتارهای خشونت‌بار در کشور بوده‌اند و دیگر هیچ نقش و بازیگری را در مقابل رهبران‌شان نداشتند و هر دستوری که از سوی اربابان خارجی و داخلی صادر می‌شدند، صددرصد خود را ملتزم به پیروی از سیاستگذاران و اربابان بنیادگرایی بیرونی همانند آمریکا و غرب و درونی همانند پاکستان و عربستان و سایر کشورهای ذی نفع منطقه، می‌دانستند. از سوی دیگر، آمریکا و غرب با پیاده نمودن سیاست دوگانه و ریاکارانه در ظاهر کمر به جنگ و نابودی تروریسم بسته و دست به لشکرکشی‌های گسترده به کشورهای اسلامی زده‌اند، ولی در عمل و پشت پرده از عناصر و جریان‌های تندرو اسلامی همانند طالبان و القاعده و داعش، حمایت‌های مادی و معنوی کردند تا دست آن‌ها برای جنایت‌های وحشیانه باز باشد که متأسفانه رفتاری جنایت‌کارانه و دهشت افگانه آنان، تحت نام اسلام و قرآن انجام گیرد. این گونه رفتارهای گروه‌های افراطی دست‌آویز خوبی برای خوراک تبلیغاتی ضد دین اسلام و اسلام‌هراسی را در کشورهای غربی فراهم کرد.



فهرست منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین، (۱۴۰۹ق)، *اسدالغابة فی معرفة الصحابه*، لبنان: بیروت، دار احیا التراث العربی.
۲. اسکولز، رابرت، (۱۳۷۹)، *درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات*، ترجمه فرزانه طاهری، چاپ اول، تهران: انتشارات آگاه.
۳. امامی، حسام‌الدین، (۱۳۷۸)، *افغانستان و ظهور طالبان*، تهران: شاب.
۴. پهلوان، چنگیز، (۱۳۷۷)، *عصر مجاهدین و برآمدن طالبان*، تهران: قطره.
۵. پیاز، ژان، (۱۳۸۷)، *نقد ادبی نو (مجموعه مقالات)*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۶. حسن، ابراهیم حسن، (۱۳۷۶)، *تاریخ سیاسی اسلام*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: جاویدان.
۷. حقانی، مولوی حفیظ، (بی تا)، *از رویا تا امارت*، ترجمه محمد محقق، نسخه الکترونیکی.
۸. رشید، احمد، (۱۳۷۹)، *طالبان، اسلام، نفت و بازی بزرگ*، ترجمه اسدالله شفیعی و صادق باقری، تهران: دانش هستی.
۹. رشید، احمد، (۱۳۸۳)، *کابوس طالبان*، ترجمه گیلدا ایراوانلو، چ ۱، تهران: هوای رضا.
۱۰. ستاری، حسن، (۱۳۵۳)، *مدیریت منابع انسانی*، تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. سجادی، عبدالقیوم (۱۳۷۷)، «طالبان؛ دین و حکومت»، قم: فصلنامه علوم سیاسی، شماره اول.
۱۲. سجادی، عبدالقیوم (۱۳۸۰)، «ماهیت دینی - سیاسی گروه طالبان»، قم: پگاه حوزه.
۱۳. سجادی، عبدالقیوم (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی سیاسی افغانستان (قوم مذهب و حکومت)*، قم: بوستان کتاب.
۱۴. سرفراز، محمد، (۱۳۹۰)، *جنبش طالبان از ظهور تا افول*، تهران: سروش.
۱۵. سید مسعود، (۱۳۸۸)، *پشت پرده کسی هست*، چاپ سوم، کابل: میوند.
۱۶. شاه ولی الله هندی، (۱۲۹۴)، *حجه الله البالغه*، ج ۲، مصر: قاهره.
۱۷. صفاری، غلامعلی، (۱۳۹۵)، *طالبان*، تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
۱۸. عصمت الهی، محمد هاشم و دیگران (۱۳۷۸)، *جریان پرشتاب طالبان*، تهران: انتشارات بین المللی الهدی.

۱۹. فیرحی، داوود، (۱۳۸۶)، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران: انتشارات سمت.
۲۰. کامگار، جمیل الرحمن، (۱۳۷۹)، حوادث تاریخی افغانستان، ج ۱، کابل: میوند.
۲۱. کتایی، سید محمد عبدالحی، (بی تا)، نظام الحكومة النبوية المسمى تراتیب الادارية، ج ۱، لبنان: بیروت، شركة دار الارقم.
۲۲. کریمی حاجی خادمی، مازیار، (۱۳۹۲)، طالبان خاستگاه و مبانی فکری، تهران: کانون اندیشه جوان.
۲۳. لک زایی، نجف، (۱۳۸۷)، کتاب درآمدی بر مستندات قرآنی فلسفه سیاسی امام خمینی، قم: انتشارات بوستان کتاب.
۲۴. لویز، خوزه و جان اسکات، (۱۳۸۵)، ساخت اجتماعی، ترجمة حسین قاضیان، تهران: نشر نی.
۲۵. ماوردی، (بی تا)، الاحکام السلطانية والولايات الدينية، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲۶. مژده، وحید، (۱۳۸۱)، افغانستان و پنج سال سلطه طالبان، کابل: میوند.
۲۷. مهاجرنیا، محسن، (۱۳۸۸)، اندیشه سیاسی متفکران اسلامی، ج ۱، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۸. نقیب زاده، احمد، (۱۳۸۷)، کتاب درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی، تهران: انتشارات سمت.
۲۹. وعلیسی، یوسف (۲۰۰۲ م)، الف. مصطلحات التقديّة فی دراسات العربی الحديث، الجزائر: المؤسسة الوطنية للفنون المطبعیة.



نام	ملا محمد عمر	ملا محمد رائی	ملا محمد حسن	ملا محمد قوث	ملا عبدالرزاق	ملا سید غیاث الدین	ملا خیر الله خیرخواه	احسان الله احسان
مستولیت	دهتر (امیر المومنین)	رئیس شورای کابل	وزیر خارجه پس از ۱۹۹۷	وزیر خارجه تا سال ۱۹۹۷	وزیر گمرک	وزیر تحصیلات	وزیر داخله	رئیس بانک دولتی
خاستگاه	قندهار (میوند)	قندهار	قندهار	قندهار	قندهار	فاریاب	قندهار	قندهار
قومیت	پشتون علزایی	پشتون	پشتون غلزایی	-	پشتون درانی	ازبک	پشتون درانی	پشتون درانی
قبیله	هوتک	کاکر	هوتک	-	بویدلایی	-	بویدلایی	-
وابستگی به جریان‌های سیاسی	حرکت انقلاب اسلامی و حزب اسلامی یونس خالص	حزب اسلامی یونس خالص	حزب اسلامی یونس خالص	حزب اسلامی یونس خالص	حزب اسلامی یونس خالص	حرکت انقلاب اسلامی	حرکت انقلاب اسلامی	-
توضیحات	تحصیل کرده در مدرسه علوم دینی قندهار	-	تحصیل در مدرسه علوم دینی در کوئته، از بستگان ملا عمر	دوست نزدیک ملا عمر که در سال ۹۷ در مزار شریف دستگیر شد.	-	فاقد تحصیلات رسمی، تاجر؛ گوشواره در گوش بوده.	فارغ التحصیل مدرسه حقانی	والی سابق خوست؛ در سال ۹۷ در مزار شریف کشته شد.

مولوی عبدالستار سنائی	ملا محمد عباس	ملا عیدالله	ملا داد الله	محمدالله آخوند	امیرخان متقی	عبداللطیف منصور	محمدعسی	الله داد آخوند
رئیس دادگاه عالی قندهار	وزیر بهداشت و درمان	وزیر دفاع	وزیر ساختمان سازی	وزیر مالیه	وزیر اطلاعات و فرهنگ	وزیر کشاورزی	وزیر آب و نیرو	وزیر ارتباطات
قندهار	ارزگان	قندهار	-	قندهار	لوگر	پکتیا	قندهار	قندهار
پشتون درائی	پشتون غلزلای	پشتون غلزلای	-	پشتون درائی	پشتون	پشتون غلزلای	پشتون غلزلای	پشتون غلزلای
اسحاق زی	هونک	هونک	-	الکوزایی	کوجی بیابان گرد		هونک	هونک
-	حزب اسلامی یونس خالص	حزب انقلاب اسلامی	-	حزب انقلاب اسلامی	حزب انقلاب اسلامی	-	حزب اسلامی یونس خالص	حزب اسلامی یونس خالص
تحصیل کرده مدرسه علوم دینی قندهار	فارغ التحصیل مدرسه علوم دینی زابل و قندهار؛ شهردار قندهار و فرمانده قوای بغلان.	فارغ التحصیل مدرسه علوم دینی کویت؛ رابط بین سازمان اطلاعات پاکستان و طالبان.		تحصیل کرده در مدرسه علوم دینی کویت	تحصیل در مدرسه حقانی؛ دوست قدیمی ملا عمر و فرمانده نیروی بغلان.	تحصیل کرده در مدرسه حقانی	-	صاحب مدرسه علوم دینی در ایالت شمال غرب پاکستان



نورالدین ترائی	حمیدالله نمائی	احمدجان	صادق آخوند	قاری دین محمد	مولوی قلم الدین رئیس امر به معروف و نهی از منکر	مولوی جلیل الله	محمد حسن	احمد مولوی وکیل
وزیر داد گستری	وزیر تحصیلات عالیہ	وزیر صنعت و معدن	وزیر تجارت	وزیر برنامه		ریاست عالیہ	والی قندهار	منشی ملاعمر و سومین وزیر خارجه
ارزگان	زابل	پکيا	قندهار	بدخشان	لوگر	هرات	ارزگان	قندهار
پشتون غلزایی	پشتون درانی	پشتون غلزایی	پشتون غلزایی	تاجیک	پشتون غلزایی	-	پشتون درانی	پشتون
هورک	فتانی	زدران	هورک		محمد مجاهد	-	اجگري	کاکر
-	-	-	حرکت انقلاب اسلامی	جمعیت اسلامی	حرکت انقلاب اسلامی	-	حرکت انقلاب اسلامی	-
بیک چشم	فاقد، تحصیلات رسمی	تحصیل کرده در مدرسه حقانی؛ تاجر فرش در عربستان و مذاکره کننده طلالان با کمپانی های غنی	فاقد تحصیلات؛ در تسخیر مزار شریف شرکت داشت	عضو برجسته تاجیک در شورای کابل	تحصیل کرده مدرسه حقانی، منشی مولوی نبی محمدی در دولت ربانی؛ در زابل به طالبان پیوست.	تحصیل کرده مدرسه دیوبندیه در هند؛ مشاور دولت مجاهدین در سال ۹۸ و وزیر تعلیم و تربیت در دولت ربانی.	تحصیل کرده مدرسه دینی در کویت، جنگ با روس ها در ارزگان	دستیار ملاعمر و از سخنگویان طالبان

شیر محمد استانکزی	عارف الله عارف	جلال‌الدین حقانی
معاون وزیر خارجه	معاون وزیر مالیه	وزیر امور سرحدات
لوگر	پکيا	پکيا
پشتون غلزایی	پشتون غلزایی	پشتون غلزایی
استانکزی	سليمان	زدران
-	حرکت انقلاب اسلامی	حزب اسلامی یونس خالص
افسر سابق پلیس، آموزش دیده در هند	۱۴ سال تحصیل در مدرسه حقانی	در سال ۱۹۹۴ جنبش اسلامی را علیه جمهوری داودخان رهبری کرده؛ ۶ سال تحصیل در مدرسه حقانی و فرمانده برجسته مجاهدین؛ در سال ۱۹۹۵ به طالبان پیوست.

جدول کامل از مسئولان و رهبران گروه طالبان

